

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۲ جون ۲۰۲۲



یونس نگاه

چاپلوسی یا مسؤولیت پذیری؟



Khalilurrahman Hanif

نگاه صیب پخوانی کیسې ډېرې په درد نه خوري، زه خپله پارسي او دري جلا لهجې او د جلا جغرافې برخه گڼم، ښه به نه وي چې خپله دري ټينگه ونيسو د دې پرځای چې پارسي ته چاپلوسي وکړو، تاجکستان هم ورته ژبه وايي خو تاجکي يې بولي، ايران د پارسي ژبې له ډنډورې له يوه اړخه استعماري رگونه تخنوي او له بله اړخه خپله خارجي پاليسي پرې پالي، چې گټه يې وي وايي سرزمين بزرگ فارس، چې گټه يې نه وي متکبرانه راته د بربريانو خطاب کوي، مور اړتيا لرو په خپل غني کلتور وويارو او زموږ کلتور سره د دې چې مشابهتونه به لري خو حدود يې مالوم او څرگند دي. زما دا بحثونه نه خوښيږي خو ستا د ليکنې مرموزې برخې راته خوند را نکړ. سوال دې کړی چې د ډېورنډ له ليکې ها خوا ژبې ته څه ووايو؟ ته ووايه کوم بل نوم يې شته؟

Like Reply 13h

با آقای "حنیف" مدتی از نزدیک کار کرده‌ام. در یک برنامه نصاب تعلیمی وزارت معارف، ایشان از مسؤلان پروژه بود و من ترجمان مجالس. بین مسؤلان وزارت معارف و متخصصان خارجی ترجمه شفاهی می‌کردم. یک امتیاز من این بود که پشتو و فارسی و انگلیسی را بلد بودم و به هر سه زبان گپ می‌زد. (کمی پرروئی هم نقش داشت. ازین که پشتوی معیاری را گفته نمی‌توانستم هراس نداشتم. بلبل‌واری به لهجه و شیوه خودم می‌گفتم 😊). سال‌ها قبل یک دوستم پیشبینی کرده بود که یونس اگر همین‌طور پرروئی کند شک نداشته باشید که یک روز راستی به پشتو مقاله نوشته خواهد کرد. در آخر آقای حنیف و باقی مسؤلان از کارم راضی بودند و دوستی من و آقای حنیف از همان‌جا شروع

شد و هر روز محکم‌تر شده رفت. او مدیر باحوصله، تحصیل‌کرده و بسیار هوشیار است. در پرداخت حق‌الزحمه من هم همکاری کرد. احترام زیاد برای‌شان دارم. از همین‌رو قضاوت‌شان را درمورد خودم جدی می‌گیرم.

آقای حنیف در زیر پست دیروزم (احترام به هویت فرهنگی همدیگر، بخش مهم وطن‌داری) صفت چاپلوس را به من چسبانده و نصیحت کرده است که به‌جای چاپلوسی برای فارسی به دری خود بچسبیم. نمی‌دانم نسبت به این صفت چرا حساسیت زیاد دارم. از آدم چاپلوس خوشم نمی‌آید و اگر کسی از دور با اشاره هم برایم برساند که فلان سخن یا کارت چاپلوسی بود، فکر می‌کنم دشنام داده است. از همین‌رو شاید در روابط شخصی‌ام چنان محتاطم تا دوستی به چاپلوسی تعبیر نشود که گاهی دچار خطا می‌شوم، فرصت از دست می‌دهم و حتی به کسانی این احساس دست می‌دهد که گویا متکبرم. در جوانی دوبار عاشق دختران مقبول شدم. یکی اش هم‌صنفا‌ام بود. از ترس این‌که مبدا احساس کند چاپلوسی می‌کنم پیش نرفتم و رابطه‌ای که کم‌کم صمیمی می‌شد، سرد شد و به هم خورد. 😊 در فعالیت‌های سیاسی بی‌پروائی‌ام به رهبر و کلان‌ترها برایم هزینه داشته و منجر به انزوای سیاسی‌ام گذشته است.

حال، وقتی می‌گویم افغانم تعدادی از دوستانم کمنت و اشاراتی می‌رسانند که گویا چاپلوسی می‌کنم. وقتی می‌گویم فارسی و دری یکی است نیز حداقل همین دوست قدیمی و بسیار تحصیل‌کرده‌تر و کلان‌تر از من مرا چاپلوس می‌خواند. نمی‌دانم شاید هم رگه‌هایی از چاپلوسی در من باشد و خودم ندانم. اگر چاپلوسان بدانند که چاپلوس‌اند دیگر چاپلوسی در دنیا نمی‌ماند. اما آنچه می‌دانم و با خود تعهد دارم این است که موضع‌گیری‌هایم را بدون چشم‌داشت و جلب رضایت زورمند و پول‌دار و قدرت‌دار مدیریت کنم. وقتی می‌گویم افغانم یا زبان پشتو را دوست دارم باید چاپلوسی به پشتون‌های شوونیست تعبیر نشود. چون هیچ نیازی به ترحم زورمندان پشتون ندارم. با هرچه زورمند و آدمکش پشتون بیرقی دشمنی می‌کنم. در واقع ترحم و دوستی شوونیست‌های پشتون را به پشمش هم نمی‌خرم. بلکه به‌خاطر مردم پشتون، دهقانان پشتون، کارگران، معلمان، تحصیل‌کردگان و تمام انسان‌های خوب و هم‌وطنم که مستحق دوستی و هم‌وطنی‌اند پشتو را دوست دارم. افغان بودن را نیز حق و مسؤولیت می‌دانم نه چاپلوسی و امتیازدهی. فارسی را نیز همین‌طور. فارسی را حق خود می‌دانم و تعامل و دوستی با هم‌زبانان فارسی‌ام را در منطقه به‌خاطر دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان، مردم عادی، دهقان، چوپان و فرصتی که این زبان مشترک برای همکاری و هم‌صحبتی میسر ساخته است دوست دارم ورنه باز هم ترحم و دوستی حاکمان ایران یا زورمندان فارسی زبان افغانستان را به پشمش نمی‌خرم. من خودم را آدم مسؤول می‌دانم نه چاپلوس. دیگر خود دانید که چطور قضاوت می‌کنید.